

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

وضعیت کشور ما بمتابۀ تلخ‌ترین صفحه تاریخ جهان هرسپر پُراز ناله و هربند پُراز درد افق‌های تاریک سیاسی

ساختار پراکنده "طالب"‌ها و عدم سازگاری با واقعیت‌های موجود
مدیریت سیاسی کنونی و جزایر قدرت میان کشورها
چیزی بمنظور پنهان کردن وجود دارد
شکست مذاکرات صلح

از جنگ جهانی دوم تاکنون نزدیک به ۲۰۰ جنگ داخلی در جهان بوقوع پیوسته که منجر به کشتار بیش از ۲۵ میلیون تن و همچنان سبب آواره شدن بیش از ۳۰۰ میلیون تن شده است. جنگ، کشتار و آوارگی شهروندان کشورهای مختلف را میتوان از مشخصات دوران انحطاط سرمایه داری محسوب نمود. زمانی چنین ادعای می‌گردید که جنگ در نوع خود بمتابۀ ادامه سیاست بشکل دیگری میباشد. با جهانی سازی سرمایه و ادغام هرچه بیشتر سرمایه ملی در سرمایه فراملیتی، جنگهای جهانی میان دولتهای امپریالیستی جای خود را به جنگهای داخلی میان باندهای مافیایی الیگارشسی های مالی بین المللی در کشورهای حاشیه ای داده اند. یکی از بزرگترین بررسی های تحقیقی سازمان ملل در مورد جنگهای داخلی در جهان نشان می دهد که بیش از دوسوم این جنگها در کشورهایی صورت گرفته اند که یک یا چند ماده خام مورد نیاز بازار جهانی را تأمین می نمایند. نکته دیگر و شاید مهمتری کاین تحقیقات اثبات نمود، این بود که تقریباً در تمام این جنگ ها، یکی از طرفها (وگاهی هر دو) از ارتش های مزدور خارجی نیز استفاده بعمل آورده اند. یعنی ارتشهایی که در نهایت امر زیر نظارت و کنترل سازمان های امنیتی دولت های امپریالیستی قرار دارند. رقابت های درون الیگارشسی های سرمایه مالی بین المللی اکنون بشکل روز افزونی به جنگ داخلی میان باندهای مافیایی سرمایه داری در کشورهای عقب مانده منجر می شود. جنگ هایی که هرچه بیشتر بدون مداخله مستقیم یا آشکار دولت های امپریالیستی و بیشتر بواسطه ارتش های مزدور و نیابتی برپا می شوند.

در آغاز بحث کنونی، بگونه مشخص، تذکر این مسأله درخور اهمیت پنداشته میشود که در امتداد زمانی ۲۳ - ۲۵ ماه جنوری سال روان، مذاکرات و گفتگوهای نماینده های برخی از کشورهای اروپایی با فرستاده های "طالب"‌ها در اسلوانجام پذیرفت. این درنوع خود، بویژه پس از تصرف قدرت در کابل، نخستین سفر هیأت دولت موقت اعلام شده توسط "طالب"‌ها بیک کشور غربی بود. نشست یادشده بابتکار دولت ناروی بههدف کاهش اثرات بحران حاد انسانی در کشور ما راه اندازی گردید. همه طرفهای شرکت کننده در کاران، آرزومندی های شان را بمنظور دستیابی بههدف یادشده ابراز نمودند. اما با وجود اینهمه، غرب بدون در نظر داشت اهمیت مسأله، تاکنون هم در مورد آزاد سازی دارایی های بانک مرکزی کشور اقدامی بعمل نیاورده است. در مجموعه گفتگوهای یادشده در اسلو، درباره سلسله ایی از مسایل مورد نظر بحث و گفتگو هایی بعمل آمد. هیأت اعزامی "طالب"‌ها در مورد شناسایی بین المللی شان بحث های را پراه انداختند. گفتگوها و ملاقات سه روزه نماینده های "طالب"‌ها برهبری امیرخان متقی سرپرست وزارت امور خارجه در امتداد روزهای ۲۳ - ۲۵ ماه جنوری سال روان در اسلو، درنوع خود نخستین دعوت نماینده های دولت

مؤقت اعلام شده توسط "طالب" ها به غرب بود. یکی از جمله اعضای هیأت "طالب" ها در مذاکرات اسلو اظهار نمود که فرستاده های "طالب" ها در مورد ضرورت اقدام به مشروعیت بخشیدن دولت مؤقت اعلام شده آنها توسط دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا، امریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و ایتالیا تأکید بعمل آورند. با اینحال، طرف دعوت کننده با تأکید یادآور شد که هدف اصلی جلسات گفت و شنودهای اسلو، به مفهوم جستجوی راهای حل و فصل بحران بشری در افغانستان بوده و با چنین وضعیتی، اصل آغاز و تداوم مذاکره و گفتگو با "طالب" ها بهیچوجه بمعنای پرسمیت شناختن آنها محسوب نمی گردد.

همچنان، وزیر امور خارجه ناروی متذکر گردید که جامعه جهانی با دولتی که بگونه دفاکتو در افغانستان بقدرت رسیده، به مذاکره و ملاقات های اینچنینی همچنان باید تداوم بخشیده و وضعیت ناگوار سیاسی کنونی، اصل معاونتهای بشردوستانه را بهیچوجه نباید تحت تأثیر قرار دهد.

اما با توجه باین واقعیت که از ملاقات و گفتگوهای پشت درهای بسته هیأت نمایندگی "طالب" ها با دیپلمات های غربی که بتاريخ ۲۴ ماه جنوری سالروان انجام پذیرفت، حتا سطری هم در مطبوعات اصلن انعکاس نیافته و هیچکسی هم در مورد آزادسازی دارایی های بانک مرکزی کشور امیدوار نبود. با وجود مراجعه کارمندان وسایل اطلاعات همگانی، به وزارت امور خارجه ناروی، هیچگونه اطلاعی در مورد یاد شده در اختیار آنها قرار داده نشد.

منابع مطلع، قبل از نشست اسلو، اشاره نمودند که کشور یادشده، سال های سال با "طالب" ها گفتگوهای را انجام داده بود. همچنان، در امتداد هفته پسین، نماینده های کشورهای سکاندیناوی بکابل سفر نمودند تا چگونگی وضعیت ایجادشده در نتیجه بحران بشری در کشور را مورد بررسی قرار دهند. بتاريخ ۲۵ ماه جنوری سالروان، ملاقات و گفتگوهای میان دیپلمات های ناروی با "طالب" ها نیز انجام پذیرفت. در عین حال، باید پذیرفت که ایالات متحده بویژه در امر آزادسازی دارایی های بانک مرکزی کشور ما از نقش عمده ای برخوردار بوده، در مجموعه پروژه یادشده بمثابه مهمترین واقعیت پنداشته شده و بگمان اغلب که در مورد مسایل مطرح در مورد، این ایالات متحده است که حرف اول و آخر را بزبان می آورد. اگر بر فرض محال، پیشرفت و انکشافی در مورد آزادسازی دارایی های مسدود شده بانک مرکزی کشور وار ائه کمک ها و معاونت های ایالات متحده به کشور ما حاصل شود، به گمان اغلب که همه کشورها از چنین انکشافی استقبال خواهند نمود. اما در شرایط و وضعیت حاضر، بموجب فضای حاکم، اداره واشنگتن در مورد عدم شناخت رسمی "طالب" ها و عدم علاقمندی در مورد آزادسازی دارایی های توقیف شده بانک مرکزی کشور ما، همچنان پا می فشارد. چه، امریکایی ها چنین می پندارند که در هر صورتی، دارایی های یادشده برای شهروندان افغانستان قابل دسترسی نخواهد بود.

مدتی قبل، یکی از جمله دستیاران رئیس جمهوری ایالات متحده در بخش امنیت ملی از افزایش معاونت ها و کمکهای مورد نظر برای کشور ما خبر داده اما افزود که بسیار مناسب خواهد بود اگر معاونت های یادشده، بویژه انتقال و توزیع مواد غذایی و مواد مورد ضرورت اولیه و ادویه، نه توسط "طالب" ها، بلکه از طریق اشخاص و افراد غیر وابسته و سازمانهای مستقل به افراد و شهروندان مستحق افغان توزیع گردد. بر بنیاد طرح یادشده، بتاريخ ۲۰ ماه جنوری سالروان، به مبلغ ۲۷۰ میلیون یورو از جانب اتحادیه اروپا بمنظور کمک و معاونت و دستگیری از شهروندان افغان مورد تأیید و تصویب قرار گرفت که بر مبنای آن همه موارد نقدی و غیر نقدی نه بآدرس "طالب" ها، بلکه بهدف توزیع آن با افراد و اشخاص مستحق به دفاتر سازمان ملل که در اراضی کشور ما فعال می باشند، باید ارسال گردد.

در شرایط و وضعیت موجود، قرار است تا بمنظور ارائه کمک و مساعدت ها به شهروندان کشور بر بنیاد فورمول یادشده، اقداماتی بعمل آید.

در مورد چگونگی وضعیت و نحوه سیر اوضاع کشور بایست افزود که نارسایی ها در مجموعه حاکمیت قبلی برهبری اشرف غنی و بی میلی "طالب" ها بمنظور ایجاد و تشکیل حکومت مشترک سبب ضیاع وقت گردید. توافقتنامه دوحه میان ایالات متحده و "طالب" ها، این انتباه را برای "طالب" ها داد که کاخ سپید قد رت را بآنها منتقل می نماید. قبل از ورود "طالب" ها بکابل، قرار بود عبدالله به قطر رفته و در مورد انتقال قدرت بحث نماید. در اینجا پرسشی مطرح می گردد کآیا در آنجا بحث در این مورد مطرح بود که قدرت از اشرف غنی به شخص دیگری تفویض گردد؟ بحث ها عمدتن در این باره بود که از تصرف قدرت از راه

مسلحانه و نظامی باید پرهیز گردیده و از طریق تفاهم به تشکیل و ایجاد حاکمیتی همت گماشته شود که هم مورد پذیرش شهروندان کشور بوده و هم از لحاظ بین المللی برسمیت شناخته شود. برنامه چنین بود که در مورد تشکیل نوع حاکمیت جدید باید به شور و بحث پرداخته شود، نه در مورد چگونگی تسلیمی بدون چون و چرای قدرت به "طالب" ها، چون همه بخش های افغانستان باستثنای کابل و برخی از مناطق کوچک کشور تحت تسلط "طالب" ها قرار داشت. در مورد اینکه آیا میکانیزمی در مورد انتقال قدرت از غنی به شخص دیگری وجود داشت و یانه، بایست یادآور شد که در مورد یادشده، میکانیزم مشخصی اصلن ارائه نشده بود. پرسش عمده این بود که چرا "طالب" ها بسیاری از مراکزاداری کشور را با استفاده از راه نظامی تصرف نموده و چرا بمنظور آغاز مذاکره و گفت و شنود حاضر نبودند. نباید فراموش خطرما شود در صورتی که "طالب" ها تا دروازه های کابل رسیده و حاکمیت سیاسی نیز از هم پاشیده بود، اصل "انتقال قدرت" به چه مفهومی تلقی می گردید؟

بخاطر باید داشت که "القاعده" از بقدرت رسیدن "طالب" ها در کشورما، با احترام تجلیل بعمل آورده و آنرا بمثابة مدل مشترک و عامی بمنظور تصرف قدرت و پایه گذاری "امارت" محسوب نموده و کشورهای همجوار و بویژه کشورهای آسیای مرکزی را مناسب ترین محل بمنظور تداوم "جهاد" می پندارند. بسیاری از دست اندرکاران مسایل منطقوی چنین می اندیشند که فعالیت ها و عملکردهای "طالب" ها در افغانستان، پس از سوریه دومین اقدام بمنظور تشکل و پایه گذاری دولت بنیادگرا محسوب گردیده و طرفداران و متحدین شان را به پخش و گسترش حاکمیت اینچنینی در سرزمین کشورهای دیگر نیز فرامی خوانند.

همچنان می توان از واقعیت های دیگری نیز در زمینه یادآور شد، از جمله: شرایط نامتعادل طرح شده در قرارداد دوحه که در نوع خود سبب جلوگیری از ادامه پیشرفت در زمینه گردید. در مورد اجماع در طرف جمهوری ضد و نقیض گویی هایی موجود بود که از جمله، بطی نمودن پروسه صلح را سبب گردید. نبود و فقدان دیدگاه مشترک و واحد میان دولت و سیاسیون کشور سبب سازتعلیق مذاکرات شده و مشکلاتی را بوجود آورد. تأکید و پافشاری از جانب "طالب" ها مبنی بر رسیدن بقدرت از راه نظامی و مسلحانه، جهت و بخش دیگر مشکل را تشکیل میداد. آنها تصور می نمودند که با امریکایی ها توافق نموده و قدرت با آنها سپرده خواهد شد. عامل دیگر هم اینکه کشور های منطقه بمنظور حفظ منافع متضاد خویش وارد میدان بازی سیاسی در کشورما گردیدند. تداخل و بازی سیاسی آنها بمنظور اینکه خود را در این پروسه ببینند، چون در این مقطع یک اجماع منطقوی اصلن وجود نداشت، بنابراین، ناکامی مجموعه پروسه یادشده نیز تسریع گردید. در جریان یکسال مذاکرات دوحه، پالیسی کشورهای عمده جهان نیز، یکی پس از دیگری دستخوش تغییر گردیده و موضعگیری هر کشور بگونه مستقیمی بر روند صلح کشور اثر مستقیمی بجا گذاشت.

یادما نرود که تصرف قدرت از راه نظامی منجر بحاکمیتی می گردد که از اعتبار سیاسی برخوردار نبوده و شهروندان کشور نیز با وضعیت اینچنینی کنار نخواهند آمد. چه، تاریخ دهه های پسین در کشور، شاهد و گواه مدعای یادشده می باشد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور قبلی ایالات متحده، خروج نظامیان امریکایی از افغانستان را "وحشتناک" نامید. نامبرده اضافه نموده افزود که نظامیان کشورش می توانستند با عزت و احترام و بدون تلفات، ارا ضی افغانستان را ترک نمایند. اما بگفته نامبرده تکوین وضعیتی که جهان و جهانیان شاهد آن بودند، غیرقابل انتظار بود. وی همچنان متذکر گردید که "طالب" ها راهپیمایی هایی پراه انداخته و با هزاران عراده و سایط نظامی امریکایی و با نمایش ماشیندارها و انواع سلاح ها، مهمات و تجهیزات نظامی امریکایی رژه رفته و می گویند که امریکا کشور احمق ها بشمار می رود. آنها هزاران عراده و سایط و سایط به غنیمت گرفته شده و بجامانده نظامیان امریکایی را به مخاطبان شان به نمایش می گذارند. آنها بگفته ترامپ، از نظامیان امریکایی، هواپیما ها، تانک ها و غیره انواع سلاح ها و تجهیزات نظامی را به غنیمت گرفتند.

قابل تذکر پنداشته می شود که در نتیجه جنگ و درگیری های مسلحانه طولانی مدت در کشور، اصل رفاه از جامعه ما رخت بر بست. پس از تصرف قدرت توسط "طالب" ها، تاکنون هیچ کشوری در جهان، حاکمیت

آنها را برسمیت نشناخته که بخودی خود، درکنار عوامل موجود دیگر، بیش از پیش سبب تشدید بحران وضعیت بشری در کشور گردید. چنانچه می دانیم که بویژه پس از تصرف قدرت توسط "طالب"ها، غرب دارایی های بانک مرکزی کشور را (در حدود ۹,۵ میلیارد دلار) که بیشترین بخش آن در بانک های ایالات متحده نگهداری می شود)، منجمد نموده و همچنان در حجم کمک های مؤسسات مالی بین المللی که در گذشته در حدود ۸۰ درصد بودجه کشور را تأمین می نمودند، نیز کاهش بعمل آمد.

در این زمینه قابل یاددهانی پنداشته می شود که در نشست و گفتگوهای اسلو، خواست "طالب"ها در مورد آزادسازی دارایی های بانک مرکزی، صرف بمثابة یک آرزو مبدل گردید. بر بنیاد گزارش آسوشیتد پرس، در نتیجه گرسنگی و بدلیل زمستان در افغانستان، چنین تصویری گردد که ممکن جامعه بین المللی به کمک و ارائه معاونت های بشردوستانه به شهروندان کشور ما بشتابد. چه، بدلیل ضد و نقیض گویبهای سیاسی نباید شهروندان افغانستان تنبیه گردند.

وضعیت اینچنینی، اقتصاد محلات را بمرز فروپاشی کشانیده و شهروندان کشور نیز با فقر کشنده مواجه گردیدند. بر بنیاد آمار و ارقام منتشره توسط سازمان بین المللی کار، از مدت زمان ایجاد دولت موقت اعلام شده توسط "طالب"ها بدینسو، بیشتر از نیم میلیون تن از شهروندان کشور ما، کار و شغل شان را از دست داده اند. مطابق ارزیابی های سازمان ملل، در حدود ۲۴ میلیون تن از شهروندان افغانستان با کمبود شدید غذای مورد نیاز مواجه میباشند، همچنان بر بنیاد پیشبینیهای سازمان ملل، ۹۷ درصد جمعیت ۴۰ میلیونی کشور ما زیر خط فقر قرار دارند.

از جانب دیگر، در ایالات متحده از اشتباهات ستراتیژیک کاخ سپید سخن گفته می شود. در محدوده کشور یادشده، قبل از همه و بیش از موارد دیگر، از وارد شدن خساره و زیانهایی به حیثیت و اعتبار آن کشور، قبل از همه و بیش از موارد دیگر، یکی هم وعده دفاع و پشتیبانی از کشورهای بود که ایالات متحده در واقعیت امر، اصلن آمادگی آنها نداشت.

بر بنیاد اظهارات برخی از کارشناسان امریکایی، اکنون این واقعیت بیش از هر زمان دیگر بر ملا گردیده که بیشترین تعداد شهروندان ایالات متحده، بمفهوم وسیع کلمه، بر علیه برنامه های نظامیگرانه اداره و اشنگتن می باشند. آنها اداره رئیس جمهور بایدن را در قبال مسایل مربوط به کشور ما به بی کفایتی آشکار متهم می نمایند.

عده ای از شهروندان امریکایی هم چنین ابراز نظری نمایند کاصل تخلیه هفت تن از دیپلمات ها از کیف و همچنان رهأ نمودن و فرار بی نظم نظامیان امریکایی از افغانستان را بمثابة ضعف و اشنگتن پنداشته که چنین اظهار نظرهایی در نوع خود جالب بنظرمی رسد.

عده ایی هم چنین می پندارند که مشخصه سیاست دونالد ترامپ، رئیس جمهور قبلی ایالات متحده را ابهام تشکیل می داد و اصلن غیر قابل پیشبینی تصور می گردید. اما با موجودیت بایدن، آیا اقدامات و چگونگی عملکردهای کاخ سپید قابل پیشبینی می باشد؟

همچنان بسیاری ها چنین می پندارند که بیش تر از عوامل دیگر، از جمله یکی هم عدم موجودیت امکانات عملی بمنظور اجرای وعده های پشتیبانی و ارائه مساعدت بدولت کشورهای دیگر پنداشته شده که ایالات متحده در واقعیت امر، از توان چنین پشتیبانی اصلن برخوردار نمی باشد. با وجود آنهم، رهبران امریکایی جوانان بیشماری را به کارزارهای مداخله گرانه نظامی، گسیل نموده که در نتیجه، تلفات بیشمار انسانی و خسارات وسیع و گسترده مادی را هم برای خودشان و هم برای کشورهای دیگر بارمغان آوردند.

بخاطر باید داشت که نمی توان بزور سرنیزه، اصل مفهوم عدالت را در جامعه تحقق بخشید. اما همچنان نباید فراموش نمود که یکی از ویژگی های بارز انسانی عدالت خواهی و عدالت طلبی می باشد. عدالت به مفهوم وسیع کلمه، آرمانی است که همه جوامع در جهت تحقق آن در تکاپو می باشند. عدالت اصلی است که شهروندان یک کشور، آنچه شایستگی اش را دارند، دریافت می نمایند.

یکشنبه ۱۷ ماه دلو سال ۱۴۰۰ خورشیدی